

# پرورش ذهنی در فضای داستان - بازی

## سمیرا دارابی



پر دست‌انداز ارائه دهد که گاهی ارتباط مخاطب کودک را با اثر خدشه‌دار می‌کند. در ادامه چند نمونه از این موارد را ذکر می‌کنم:  
— «... و دو گربه، یکی سیاه و یکی سفید بخزند، برای این که صدا کنند.»

— «مانند کشتی‌هایی که در دریا از این طرف به آن طرف شناور بودند.»

— «قطرات خیلی سنگین و خیس‌کننده‌ای بودند.»  
— «ولی تخم‌مرغ نمی‌خواست برود. در چنین وضعیتی شما فکر می‌کنید که این طور نمی‌تواند باشد؟!»

— «تکه‌ای از شال‌گردن را برای پیچیدن بر دور گردن بردند.»  
یا عبارت «یکبار یک ... بود» که همه داستان‌ها با آن شروع می‌شوند. به نظر می‌رسد مترجم این عبارت را به اشتباه به جای

«روزی روزگاری ...» یا «یکی بود، یکی نبود» به کار برده است که در نهایت نتیجه خوشایندی در پی نداشته و در داستان خوش‌نشنسته است.

این عبارت از آن‌جا که مدخل داستان‌هاست، نقشی دوچندان مهم پیدا می‌کند. بعضی از داستان‌ها نیز در پایان دوباره به این عبارت که نقطه شروع است، برمی‌گردند:

«... و این داستان همان طوری که شروع شد، تمام می‌شود: یکبار

یک کشتی بود. کشتی قشنگ و بزرگی که در دریا شناور بود.»  
ناشر این مجموعه پنج‌جلدی، انتشارات آمیس است که ناشری تازه‌نفس در نشر کودک و نوجوان محسوب می‌شود. در پایان باید گفت جای خوشحالی است که ناشری غیر تهرانی و ساکن در شهری غیر از پایتخت با هدف انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان به میدان آمده و در این مدت کتاب‌های چشم‌نوازی از نظر کتاب‌سازی و کیفیت چاپ نیز عرضه کرده است.

یکبار یک... بود. گراسیلا مونتس. ترجمه مهرا ن فرهادزادگان. اصفهان: آمیس، ۱۳۸۸. ۲۴ ص. هر جلد: ۱۲۰۰۰ ریال.

مجموعه «یکبار یک ... بود» مجموعه‌ای پنج‌جلدی است که در قطع خشتی کوچک و با یونیفرم مشخص برای مخاطبان سال‌های پیش از دبستان و اوایل دبستان منتشر شده است. یکبار یک [شاهزاده خانم] بود، یکبار یک [ابر] بود، یکبار یک [خانه] بود، یکبار یک [کشتی] بود و یکبار یک [کلید] بود عنوان این پنج جلد است؛ البته به جای کلمه‌های شاهزاده خانم، ابر، خانه، کشتی و کلید تصویری کودکانه کشیده شده تا چنان که در مقدمه کتاب نوشته شده، کودک بتواند کلمه مربوط به آن را پیدا و جایگزین کند.

این ویژگی (استفاده از تصویر به جای کلمه) در روایت داستان‌ها نیز دیده می‌شود و خیلی جاها به جای اسم‌بردن از شخصیت‌ها، تصویر مربوط به آن کشیده شده است. این ویژگی که خودبه‌خود موجب بالا رفتن حجم تصویرسازی می‌شود، هم کتاب چشم‌نواز تر و جذاب‌تری به دست کودک می‌دهد و هم موجب می‌شود خود او به‌نوعی در پیشرفت و تکمیل داستان مشارکت داشته باشد. انتشار چنین اثری اگرچه در ادبیات کودک سابقه‌ای نسبتاً دراز دارد، اما با توجه به ارزش متن و تصویرسازی می‌توان گفت که کودک با خواندن این مجموعه، در عین لذت‌بردن از یک اثر داستانی، طعم بازی را می‌چشد و قدمی در تیزکردن و بالا بردن توانایی ذهنش برمی‌دارد.

داستان‌های مجموعه «یکبار یک ... بود»، زبانی ساده دارند و مترجم سعی کرده تا آن‌جا که ممکن است، اثری روان برای کودکان بازآفرینی کند. اما عدم آشنایی کامل به زبان این گروه سنی و احتمالاً کم‌تجربگی در خلق اثر در این حوزه موجب شده که ترجمه‌ای